



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۲/۰۸

پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت سی و یکم)

پسگفتار

ظهور یک درک جدید از دیموکراسی

سه سال قبل، متعاقب نوشتن یک مقاله در مورد کوید - ۱۹ به یک روزنامه محلی، در ماه مارچ سال ۲۰۲۰ بود، که اراده نویسنده برای نوشتن این کتاب مسلم شد. با نگاهی به گذشته می نگریم که بحران جاری نه تنها تهدید فزاینده به دیموکراسی های لیبرال بود بل انبوه از توفان خشم و اضطرابی بود که چهره خود را در تظاهرات نافرمان مردم علیه دولت های شان نمایان ساخت.

نویسنده بیاد کتابی افتاد که تقریباً نیم قرن پیش نوشته شده بود. این کتاب «شورش توده ها» نام داشت و نویسنده آن یکی از اندیشوران بزرگ قرن بیستم «اورتیگا. وای. گاست» بود. اینجا توجه شما را بخاطری به این کتاب بخاطر معطوف میدارم که سردرگمی سیاسی امروز، وخامت سریع اقلیم جهانی و ظهور سائر خطرات تهدید کننده به حیات، ناشی از دست انسان موازیاً با همان هوشدار ستوده «اورتیگا» در حرکت است که وی آنرا در قالب شورش توده ها علیه دیموکراسی های لیبرال عنوان کرده بود، اورتیگا می گوید «... طوری که یک دکتورین بنیادی یا ارگانیک را در مورد واقعیت بس مهم زمان ما ایجاد کنیم.» «اورتیگا» از وحدت سیاسی و قضائیی حمایت کرد و خواستار «یک پارچگی، نه از هم پارچگی برای اروپا» شد تا افراط در «نیو لیبرالیزم» و «توتالیتریزم» یا تمامیت خواهی هر دو اصلاح گردد. می توان این را به عنوان یکی از اولین صدا ها برای شکل گیری اتحادیه اروپا نامید. مهمتر از آن «اورتیگا» گفته بود، "اگر هر سیستم برتر تر تحول و تکامل می یابد در نهایت باید به اساس دانش تکنیکی و لیبرال دیموکراسی تکامل یابد." [1] در اینجا ما مشابهت های "شورش توده ها" و ابر های جمع شده "پوپولیزم" را بر علیه دیموکراسی ها، تقریباً در همه جای دنیا می بینم.

¹ - Ortega y Gasset. *The Revolt of the Masses*. Duffy, Mary (Ed.) Translated by Guerrero. Marciano. Routledge Lib. Editions. 2012.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

بطور خلاصه، آنچه که طی چهار بخش در دوازده فصل این کتاب ارائه شده اند عبارتند از (۱) تأریخ دیموکراسی ها، (۲) تکامل دیموکراسی ها، (۳) بحران مدرن و بیماری های دیموکراسی ها و بلاخره (۴) در مانهای مدرن برای دیموکراسی ها که امید است پاسخ مؤثری برای هوشدار های «اورتیگا» باشد.

دیگر نیازی نیست که به تکرار از انواع فلسفه، انتروپولوژی / مردم شناسی، سوسیولوژی / جامعه شناسی و ریاضیات دیموکراسی پردازیم. از آنجائیکه دیموکراسی های لیبرال در معرض حملات خود کامگی ها یا «اتوکراسی ها» قرار دارند در اینجا مؤلف سعی می کند تا اهمیت عمیق "ایده" دیموکراسی را در زمان کنونی نشان دهد. نیاز مبرمی به "مفهوم جامع دیموکراسی" وجود دارد که ابدیت سازی دیموکراسی امریکا را می توان بوسیله بکار انداختن دانش "عصر دیجیتال" میسر ساخت.

۱) آیا پیشترف علم و تکنالوژی می تواند منشاء دیموکراسی را آشکار کند؟

وقتی سه سال پیش تحقیقاتم را در باره دیموکراسی آغاز کردم از خود پرسیدم که آیا آنقدر انسان خردمند [2] «همو سی پین» استم که ایده یا مفهوم دیموکراسی را زیر سؤال ببرم؟ ایده ای که شاید قدامت آن به اندازه اولین گرد هم آیی قبیله ای بشری باشد و در طول بیشتر از سه هزار سال، کتاب های بی شماری در این زمینه توسط فیلسوفان و دانشمندان بزرگ نوشته شده است! علاوه بر آن از خود پرسیدم که من کیستم که چنین پرسشی را مطرح کنم؟ خوب، من یک داکتر طب استم و قبل از آن داکتر طب دیگری هم بود که بنام یکی از پدران عصر معاصر «دیموکراسی» شناخته می شود، منظورم «جان لاک» (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) است که با کتاب مشهور خود «لویاتان»، شبیه کتاب «هابس»، فیلسوف سیاسی شد. رابطه داکتر طب و فیلسوف سیاسی می تواند بیشتر یک امر تصادفی باشد. داکتر طب که با مرگ دست و پنجه نرم می کند، ممکن است کاملاً شبیه یک شوالیه زره پوش سفید (لباس سفید) در نظر گرفته شود که برای نجات حیات می جنگد. ممکن است «جان لاک» هم با فرارسیدن «عصر روشنگری» مجهز به «میتودلوژی ساینسی» چیزی در مورد «بایولوژی» و تکامل می دانسته و یا احساس کرده باشد. ما در مورد تحقیقات طبی او بالای اجساد و یا آشنایی او با نوشته های طبیبان سابق مانند «بقراط» [3]، «جالینوس» [4]، «کورنلیوس سلسوس» [5] (انسایکلوپیدیای نویس ۲۵ ق. م تا ۵۰ میلادی) و کتاب ابن سینا قانون (در طب - م) (انسایکلوپیدیای نویس طبی قرن یازدهم) چیزی زیادی نمی دانیم. من فکر می کنم که «جان لاک» باید پیوند بین دیموکراسی و خود زندگی را با نیاز های مشابه و میسر مشابه، تصور کرده باشد! همان بود که این اندیشه، مسیر فکری من برای تحقیق و نگاشتن این کتاب شد، بخصوص پایان نامه پستگتار ان که امیدوارم جوانب بایولوژیکی- ساینسی دیموکراسی معاصر را بر ملا سازد.

2 - Homo sapiens

3 - Hippocrates

4 - Galen

5 - Cornelius Celsus

آیا دیموکراسی فقط یک مفهوم و ایده ای است که توسط ذهن انسان ایجاد شده و از لحاظ کرونولوژیکی به بیش از ۳۰۰۰ سال به عقب بر می گردد؟ یا یکی از اشکال تکامل یافته خیلی طبیعی از سازمان یک جامعه انسانی برای رشد و بقای خود است که در اثر تکامل تدریجی دیگری از طبیعت، تصادفاً بوقوع پیوسته است؟ اگر دیموکراسی حاصل تخیل بشر است پس چرا این امر بطور مستدام در ذهن افراد و در خرد جمعی بشر وجود داشته است؟ ما نمی دانیم، آیا ممکن است دیموکراسی به عنوان یک مفهوم در ذهن اولین مرد و زن، در ذهن اولین خانواده انسانی و یا در ذهن اولین قبیله بشر وجود داشته باشد؟ قبلاً در یک مورد ذکر شد که پایداری تاریخی یک ایده یا یک تیوری بدون اثبات نادرستی آن و یا با انقضای آن، تاریخ را بیک آزمون اسیدی برای اعتبار یک حقیقت «مثل طلا» تبدیل می کند که برای بسیاری از چیزها خواه در قلمرو علوم طبیعی یا علوم اجتماعی باشد قابل اجراء است. سؤال بعدی این است که " محرک مغز انسان برای راه اندازی این "ایده" چه بود؟" هرچند تیوری «چارلس داروین» مستقیماً به این سؤال پاسخ نداده ولی آنرا با «نظریه انتخاب طبیعی» توضیح داده است که در آن هر بار «بهترین یا مناسب ترین» برنده میشود. اینها هم مانند سایر تیوریهای فلسفه جبر، منتج به بحث های طولانی و خود خواهانه میشود. "انتخاب طبیعی، بقای مناسب ترین هاست. مناسب ترین ها کسانی اند که زنده می مانند. بنابر این انتخاب طبیعی در «توتولوژی» یا تکرار واضح است." [6]، [7]

فیلسوف برجسته قرن بیستم «هنری برگسن» [8] مطرح کرد که راز " زندگی" را می توان با ظهور یک انرژی اسرار آمیز در کره زمین توضیح داد و او آنرا (Élan Vital) «نیروی حیات» [9] نامید که برای بدست آوردن تکامل رضایت بخش خود بطرف بالا و به سمت پیش رانده میشود. [10] نویسنده به این باور است که «برگسن» ممکن حق داشت تا این انرژی را به عنوان یک «نیروی حیاتی» بنامد که به یک آگاهی بالاتر و در حال گسترش تکامل یابد تا تداوم زندگی، تکثیر - باز ریش یا باز زایی آن را تضمین و سرانجام منحصی یک «انسان عاقل یا هوموسی پین» بیک فاعل آزاد و پویا تبدیل شود. پدر فیزیولوژی انسانی «کلاود برنارد» [11] این تعادل پیچیده فیزیولوژیکی «خوشبختی» را بنام تعادل درونی "استتباب" [12] نامید. باید بخاطر داشته باشیم که با آغاز از دنیای تحت اتمی تا کیهانی، هیچ چیزی در گیتی چهار بعدی بدون تعادل نیرو های مثبت و منفی آن نمی تواند وجود قابل اثبات داشته باشد. این استتباب یا «هوموستاز» در انسان ها بیشتر گسترش می یابد تا به تعادل عالی جسمی و روانی تبدیل شود که ما طبیبان آنرا " صحت خوب" می نامیم. این هم به اندازه کافی جالب توجه است که یکی از نوابغ امریکایی همین تعادل را برای فرد به عنوان «خیر بزرگتر» برای جامعه نامیده است.

6 - Wilkins, John. *Evolution and Philosophy: A Good Tautology is Hard to Find*. URL (<http://www.talkorigins.org/faqs/evolphil/tautology.html>),

7 - Poton, Peter. *On the claimed "circularity" of the theory of Natural Selection*. Open Journal of Genetics. Vol.2 No.2, 2002, revised 2012.

8 - Henri Bergson

9 - "Élan Vital" or the 'Vital Force'

10 - Bergson, Henri. *Creative Evolution*. Henry Holt & Co., Hawkins Camelot Press. New York, NY. 1911.

11 - Claud Bernard

12 - homeostasis : در بایولوژی استتباب، حالت شرایط ثبات داخلی، فیزیکی و کیمیای است که توسط سیستم های زنده حفظ می شود -

ما دقیقاً نمی دانیم که این نیروی حیات چیست، اما می توانیم انرژی آنرا ببینیم که فعالیت های پیچیده اش خود را همواره در اشکال بی شمار در یک تعادل عالی با جزئیات کامل برای بقا، خواه در بحر باشد، خواه در خشکی یا در هوا نمایان می سازد. وقتی می گوئیم تکامل در حال پیشرویست منظور ما این نیست که نیروی تکاملی، دارای آگاهی توسعه یافته با آگاهی از گذشته، حال و آینده دارد، همانطوری که در انسان های یافت میشود، بلکه این آگاهی است که حتی در کوچکترین آنها به عنوان («واحد حیاتی» یا واحد سطح هوشیاری) [13] مانند «آمییب» هم وجود دارد که توسط قوانین غیر قابل برگشت طبیعت تعیین میشوند. [14] در عقب این " انرژی حیاتی چیست" چرا می خواهد خود را تابع قانون تکاملی طبیعت یا یک نیروی خلاق قرار دهد؟ سؤال «زندگی چیست؟»، «اروین شرودینگر» [15] برنده جایزه نوبل در فیزیک را در کتاب (۱۹۹۴) شان به این نتیجه رساند که ما تا هنوز توانایی علمی کافی پاسخ آنرا نداریم [16]. وی در یکی از مقالات خود " میتافیزیک به طور کل" با ظهور فاشیزم موسولینی/ هیتلر با ناامیدی زیاد نوشت: " انسان غربی در معرض خطر بازگشت به سطح اولیه رشد خود قرار دارد که هرگز بر آن به درستی غلبه نه کرده است: «غرور بی بند و بار سرپوزخند خود را بالا می برد و مشت اش که نیروی مقاومت ناپذیر را از عادات بدوی وی می گیرد، به سکان رهاشده کشتی ما می رسد.» [17]"

بقیه دارد

اول: زندگی و فعل مختار



آرشیف: مقالات پوهاند بشیر احمد زکریا

13 - 'one unit of consciousness level' (CL)

14 - Hawkins, David R. *Transcending Levels of Consciousness: The Stairway to Enlightenment*. AZ. USA. 2005.

15 - Erwin Schrödinger

16 - Schrodinger, Erwin, *What is Life*. Cambridge University Press. Cambridge, New York, Madrid, Singapore. 1944. ISBN 978-0-521-42708-1., 19--45, -48, -51, -55, -62, -92, 2013.

17 - Schrodinger, Erwin. *My view of the World*. Translated by Hastings, Cecily. Cambridge University Press. 1964.

د پانو شمېره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ